

دوپینگ در ورزش

خشونت و بی رحمی در مسابقات ورزشی عصر حاضر به همراه ارزش مادی بالارفتن از سکویهای قهرمانی عده ای از ورزشکاران را اجباراً در راهی سوق می دهد که بتوانند برای به دست آوردن پیروزی و افتخار و رکوردهای بهتر و بیشتر از حد، وسیله ای برای نیل به این هدف استفاده کنند! خواه این راه و مسیر کمک آنها باشد و خواه در از بین بردن و به خطر انداختن سلامتی آنها نقش بزرگی بازی کند! راه های طبیعی و فیزیولوژیک و امکانات عادی روزمره

برای بالا بردن رکوردها و معیارهای بدنی در حداعلاي خود در بعضی از ورزشها نتوانسته اند مورد دلخواه انسان باشند و شاید به همین علت باشد که بسیاری از قهرمانان رشته های مختلف ورزشی دیگر خود را قادر به پیشرفت بیشتر و بهتری نمی بینند و حاضر نیستند که ماه ها رنج تمرین های سخت و مداوم را در اردوها بر خود هموار سازند و سرانجام هم نتوانند حتی یک دهم ثانیه و یا چند گرم رکورد خود را تغییر بدهند! در این احوال شک نیست که ورزشکار در جستجوی طرق و روشهای ساده تری برمی آید و در این رهگذر شاید به عقیده خودش بهترین آنها برای به دست آوردن کلید موفقیت و پیروزی در یک زمان کوتاه چند عدد «قرص» باشد! این طریقه که با وسایل مصنوعی و غیر طبیعی صرف نظر از زیان های غیرقابل جبران آن قدرت

انسان را بیشتر می نماید و در رقابت های ورزشی به او کمک مضاعف می نماید در اصطلاح پزشکی تحت عنوان استفاده از داروهای محرک (دوپینگ) خلاصه می شود. شاید توجه بعضی ها به دوپینگ به این علت باشد که با یک قرص می توان رکورد جهانی را تغییر داد! البته در موارد بسیاری دیده شده است که فقط ۲٪ تفاوت در قدرت یک شناگر یا دوندۀ توانسته است یک رکورد با زمان چهار دقیقه را به زمان ۳:۵۲ دقیقه برساند. همین مقدار ناچیز نتوانسته است در شرایط به خصوصی مسیر زندگانی آینده ورزشکار را تغییر بدهد و وی را صاحب همه چیز بنماید! در حالی که شاید ورزشکار نتوانسته باشد با ماه ها تمرین مداوم و صرف انرژی و عمر خود این مقدار ناچیز ۲٪ را به دست آورده باشد.

از عهد باستان و روزگار پیشینیان شروع شد

کوشش های بشر برای ازدیاد قدرت بدنی خود خواه برای بیشتر زیستن و خواه برای مقابله با مشکلات فراوانی که از عهد باستان مشخص بوده وی را وادار نموده که از طرق مختلفی حتی «دوپینگ» استفاده کند. بنابراین استفاده از داروهای محرک و طرق جلوگیری از آن می تواند به زمان های دور بازگردد. محقق بزرگ GALEN از استفاده ورزشکاران عهد باستان از راه های مختلف و غیرطبیعی در رقابت های ورزشی نام برده است. در حدود قرن سوم پیش از میلاد مواردی از استفاده نا بجای ورزشکاران از مواد گوناگون برای بهبود قدرت بدنی و موفقیت در رقابت های المپیک باستان به چشم می خورد ولی آمار دقیق از نیمه دوم قرن نوزدهم در دست می باشد و با استناد به این آمار می توان گفت که اولین مورد استفاده از داروهای محرک در مسابقات شنای آمستردام (۱۸۶۵) اتفاق افتاده است. در سال ۱۸۷۹ هنگامی که مسابقات شش روزه دوچرخه سواری قاره اروپا آغاز می شد، قهرمانان شرکت کننده برای رقابت و کسب مدال طلاهریک به سلیقه خود و (شاید بتوان گفت) با استفاده از تجارب پیشینیان خود مواد مختلف دارویی را به همراه داشته اند تا بتوانند در موقعی معین و با استفاده از آنها فشار بیش از حد این دوره از مسابقات را تحمل نمایند. در آن هنگام ورزشکاران فرانسوی با استفاده از ماده

کافئین و قهرمانان بلژیکی با مخلوطی از شکر و اتر (ether) (ماده ای به صورت گاز فرار که برای بیهوشی از آن استفاده می شود) و اثریشی ها یا آشامیدنی هایی که داخل آنها مواد الکلی ریخته شده بود به دوپینگ دست زده اند.

شاید تعجب آور نباشد که مسئولیت مهمی که همراهان و کمک های تیم های ورزشی در آن زمان به عهده داشتند، مخلوط کردن این موادوتیه و نگهداری آن بوده است! بعضی از این همراهان در مواردی به اصطلاح ابتکار به خرج داده و بدون توجه و اطلاع از زیان های بعضی از این داروهای محرک، مخلوطی از هروئین و کوکائین به ورزشکاران می دادند تا آنها زودتر

قهرمان شوند! هفت سال بعد (۱۸۸۶) در مسابقات «توردوفرانس» که در مسافتی حدود ۶۰۰ کیلومتر بین بوردو و پاریس انجام شد یک دوچرخه سوار انگلیسی به نام لینتون (linton) در اثر استفاده زیاد از مواد محرک جان سپرد! مرگ وی در اثر طمع سرپرست تیم انگلیسی وی - که در عین حال صاحب یک کارخانه معظم دوچرخه سواری در بریتانیا بود - گزارش شده است. این سرپرست طمعکار می خواست با قهرمان شدن دوچرخه سوار نام کارخانه خود را بر سر زبانها جاری سازد و سپس میلیون ها لیره به حساب های پس انداز وی در بانک های انگلستان سرازیر شود!

سال هابعدتیم های فوتبال بلژیک وانگلستان درسال های ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۰ با استفاده از «اکسیژن» خواستند بر قدرت فوتبالیست های خود اضافه بنمایند. در همین احوال ودر بوکس نیز قهرمانان مشت زنی ساعت ها قبل از حضور در صحنه مبارزه از قرص های استرینکن همراه با کوکائین و شراب مخصوصی از نوع براندی استفاده می کردند.

چیز خور کردن حریف

در سال ۱۹۱۰ عده ای با استفاده از قدرت مواد محرک و مخدر به فکرافتادند که «رقیب» خود را با تأثیر بعضی از مواد محرک و یا مخدر از پای در آورند. در همین سال جیمز جفری مشت زن معروف ادعا کرد که شکست وی در اثر مخلوط کردن مواد مخدر در چای آشامیدنی او قبل از مسابقه بوده است. این روش که امروزه به نام «پارادوپینگ» معروف است برای بعضی ها (مثل محمد مایلی کهن پس از شکست صفر بردو ایران مقابل قطر) وسیله مناسبی شده است که در صورت شکست در مسابقه و با محکوم شدن به خروج از دوره مسابقات به نام «اعتراض» به آن متوسل شده چنین وانمود نمایند که رقیب به او مواد مخدری خورانیده که او را ناتوان ساخته است!

و اما لغت دوپینگ برای اولین بار در سال ۱۸۸۹ و در کتاب فرهنگ لغات انگلیسی ظاهر گردید و معنای آن به مخلوطی از تریاک و مواد مخدر اطلاق شد که در زمان های گذشته برای تحریک حیوانات به خصوص اسب ها از آن استفاده می شد. بر خلاف تصور عمومی لغت دوپینگ یک اصطلاح زبان انگلیسی نیست بلکه ریشه آن به یک لهجه بومی اهالی قسمتی از جنوب شرقی آفریقا مربوط می شود. در آفریقا به این قوم و لهجه آنها «کفیر» گفته می شود. لغت dop به آشامیدنی الکلی تندی گفته می شد که اهالی بومی آفریقای شرقی در موقع عبادت و پرستش برای تحریک بیشتر و حالت هیجانی از آن استفاده می کردند. به مرور زمان این لغت گسترش بیشتری یافت و به مجموع موادی که برای تحریک و ازدیاد قدرت موقت بدن (برای هر منظور) به کار می رفت اطلاق گردید. مسأله دوپینگ در نشریات معتبر و علمی دنیا برای اولین بار در سال ۱۹۱۰ و در وین (اتریش) مطرح گردید.

در آن هنگام یکی از شیمی دانهای معروف روسیه به خاطر تأیید نتیجه ای که محققین اتریشی به دست آورده بودند به وین رفت و مایع بزاق اسب هایی را که در مسابقات شرکت داشتند مورد تجزیه قرار داد و نتایجی به دست آورد ولی متأسفانه نتایج به دست آمده توسط او در نشریات پزشکی دنیا منتشر نشد. همین مسأله سبب شد تا اتریشی ها این مسأله را به صورت جدی دنبال

کنند. کوشش و تجسس اتریشی ها را پروفیسور زیگموند فرانکل (از دانشگاه وین) رهبری می کرد و او بود که طریقه اختصاصی خود را برای پیدا کردن مواد محرک در بزاق منتشر نمود.

دیگر تحقیقات در جاهای دیگر دنیا نشان داد که مسئولان تربیت و پرورش اسب ها و برگزار کنندگان مسابقات بزرگ اسب سواری کمتر از دوپینگ استفاده می کردند

با مرور زمان این رویه تغییر کرد و این حقیقت تلخ در خفا صورت گرفت. قبل از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴) ۳۵٪ اسب های شرکت کننده در مسابقات بزرگ

اروپا متهم به دوپینگ بودند ولی کنترل شدید و جریمه ها و محرومیت های فراوان این مقدار را در حال حاضر به کمتر از یک درصد تقلیل داده است.

با پیشرفت تحقیقات در حیوانات آزمایشگاهی، پژوهندگان دنباله آن را به تجسس در انسان کشانیدند. محققى به نام ادمن (edmin) در سال ۱۹۱۹ اثرات «فسفر» به عنوان یک محرک را بر روی انسان مورد آزمایش قرار داد. در

سال ۱۹۳۴ برای نخستین بار اثرات benzedrine بر روی انسان کشف شد. در آن دوران دوپینگ بیشتر از آنکه به ورزش مربوط باشد مربوط به خلبان های بود که اجباراً مسافرت های هوایی طولانی را در شب انجام می دادند و مجبور بودند شب را با بیداری صبح کنند.

دوپینگ در بازی های المپیک

اولین موارد دوپینگ در المپیک در دهه پنجاه میلادی به چشم خورده است. در المپیک زمستانی ۱۹۵۲ (اسلو) در افاق تعویض لباس قهرمانانی که در مسابقات اسکی سرعت و مارپیچ شرکت کرده بودند سرنگ های خالی و سایر وسایل تزریق دارو پیدا شد. در سال ۱۹۵۵ در مسابقه تور دو فرانس قهرمان معروف دوچرخه سواری فرانسه، ماله ژاک (malle jak) به سبب استفاده از داروهای محرک از هوش رفته و از مسابقه خارج شد. بعدها با مشاهده جواب نمونه ادرار پنجاه نفر از شرکت کنندگان مشخص شد که پنج نمونه دوپینگ مثبت بوده است.

مرگ های مهلک و زنگ خطر دوپینگ

چندین مورد مرگ مهلک، دوپینگ را به صورت یک فوریت و مسأله حاد در ورزش جهان مطرح ساخت. یک دوچرخه سوار در یک قمقمه محتوی قهوه آشامیدنی تعداد پانزده قرص از داروی محرک آمفتامین را حل کرد و در خاتمه مسابقه ناگهان از پای در آمد و درگذشت. هنوز مدت زیادی از این فاجعه نگذشته بود که در المپیک ۱۹۶۰ رم، یک ورزشکار کپنهاگی از مخلوط آمفتامین و

ویتامین ث استفاده کرد. این دارو که توسط مربی این دوچرخه سوار دانمارکی به وی خورانده شده بود موجب شد تا «کنوت نیسن» اولین ورزشکاری لقب گیرد که حین مسابقات المپیک در اثر دوپینگ جان باخته است.

در سال ۱۹۵۸ آمریکایی ها ۴۱ تن از ورزشکاران، سرپرستان و مربیانی را که مشکوک به استفاده از داروهای محرک بودند آزمایش های وسیعی قرار دادند و پاسخ آزمایش را در مورد ۳۵٪ این ورزشکاران مثبت یافتند. بعد از این تحقیق و دریک مصاحبه عمیق و همگانی که با مصاحبه حضوری باتک تک آنان همراه بود. آمریکایی ها در میان تعجب همگان گزارش کردند که فقط یک درصد از این ۳۵٪ از آثار و عواقب خطرناک دوپینگ اطلاع داشتند. از زمانی که «پول» به دنیای ورزش راه یافت رابطه دوپینگ با مسابقات حرفه ای مشخص و واضح تر گردید و کم کم فوتبال نیز از حمله دوپینگ در امان نماند. اولین دوپینگ در جام جهانی به سال ۱۹۷۴ و در تیم «هائیتی» مشاهده شد و «ویلی جانسون» (اسکاتلند-۱۹۷۴) و «دیه گومارادونا» (آرژانتین-۱۹۹۴) بر هیاهوی دوپینگ افزودند.

زدنیک زمان مربی سابق آ.اس.رم نیز در یک افشاگری پر هیاهو اعلام کرد که بسیاری از ستارگان فوتبال ایتالیا از مواد نیروزای غیرمجاز استفاده می کنند. بعدها کشف موارد زیادی استفاده از «نئاندرلون» صحبت های «زمان» را تأیید

کرد. امروزه نیز به هیچ عنوان نمی توان مانع استفاده ورزشکاران از این داروهای غیرمجاز شد. داروهای کنونی بیشتر بر روی اعصاب نباتی انسان تأثیر می گذارند و اعصاب، سریع تر پیام های مغز را به اندام ها می رسانند. به هر صورت در دوره ای که نفر اول دوی صدمترالمپیک با نفر دوم یک صدم ثانیه و با نفر سوم، دو صدم ثانیه تفاوت زمانی دارد، موفقیت نصیب آن کسی می شود که سریع تر شلیک تپانچه آغازین مسابقه را شنیده و سریع تر حرکت را آغاز می کند. (ولو برای یک صدم ثانیه).